

روان کاوی و نظریه فیلم

شرق: اندیشه روان‌کاوانه و سینما آغازی هم‌زمان دارند و به جز هم‌زمانی، دارای پیوندی ذاتی هم هستند. در سال ۱۸۹۵، فروید و یوزف برویمر «مطالعاتی در باب هیستری» را منتشر کردند و لویی و آگوست لومیر نخستین فیلم‌هایشان را در گراند کافه پاریس نمایش دادند. با این حال آن‌طور که تاد مک‌گوان هم می‌گوید جای شگفتی است که زمان نسبتاً زیادی طول می‌کشد تا روان‌کاوی در نظریه فیلم جای پای محکمی پیدا کند. او می‌گوید فصل مشترک روان‌کاوی و سینما تنها سال سرآغازشان نیست و در توضیح می‌گوید که از خلال تحلیل رُیاهاست که روان‌کاوی به مهم‌ترین کشفیات خود نایل می‌شود و تا به امروز، سینما مانند یک کارخانه رویا، صورتی از رویاپردازی جمعی باقی مانده است.

مک‌گوان کتابی دراین‌باره نوشته که به‌تازگی با عنوان «نظریه روان‌کاوانه فیلم و قاعده بازی» و با ترجمه علی قاسمی در نشر نو منتشر شده است. این کتاب در آمدی موجز و تا حد ممکن به دور از دشواری‌گویی درباره نظریه روان‌کاوانه فیلم است و نشان می‌دهد که این نظریه را چگونه می‌توان به منظور تفسیر فیلم کلاسیک ژانر

رنسار به کار گرفت. این کتاب پیدایش نظریه روان‌کاوانسه فیلم را از بنیادهای آن در اندیشه فروید و لکان و نیز تحول آن را از خلال آرای ژیزک و جون کاپچک پی می‌گیرد. «قاعده بازی»، فیلمی است از رنسار که او آن را در اوج محبوبیتش ساخت. نویسنده درباره انتخاب این فیلم برای نوشتن کتابش نوشته: «قاعده بازی برای یک تفسیر روان‌کاوانه گزینه غریبی است. برخلاف فیلمی مانند سرگیجه آلفرد هیچکاک (۱۹۵۸) که به‌وضوح درباره سوزهای میل‌ورز و برساختن فانتزی‌ای به منظور تحقق آن میل است، فیلم رنوار شخصیت‌هایی دارد که به‌ظاهر عاری از هرگونه پیچیدگی روانی‌اند. آنها صرفاً نقش‌های اجتماعی محوله‌شان را بی‌آنکه اندیشه کنند، بازی می‌کنند. هیچ شخصیت جالب توجهی ندارد که تماشاگر ملزم به کوششی برای فهم او شود؛ بلکه انگیزه‌های همه‌شان آشکار و سطحی است؛ اما فقدان پیچیدگی روانی به منزله فقدان بینشی به درون روان نیست. در واقع، ابتذال شخصیت‌هایی که رنوار خلق کرده، حاکی از اهمیت آنها برای فهم روان سوز به معنای دقیق کلمه است. او (همان‌گونه که از عنوان فیلم برمی‌آید) نه استثنا بلکه قاعده را نمایش می‌دهد.

این واقعیت هم ناآرامی اولیه‌ای را که فیلم برانگیخت توضیح می‌دهد و هم پژواک دیرپای آن در میان تماشاگران را». کتاب به جز مقدمه، دارای دو فصل با عناوین «نظریه روان‌کاوانه فیلم» و «روان‌کاوی و قاعده بازی» است و در پایان هم بخشی با عنوان «نظریه روان‌کاوانه فیلم، امروز» آمده است.

مک‌گوان توضیح داده که نظریه روان‌کاوی فهمی از اساسی‌ترین پرسش پیش‌روی مطالعه فیلم به دست می‌دهد: چرا کسی به تماشای فیلم می‌نشیند و از آن لذت می‌برد؟ او برای پاسخ‌دادن به این پرسش نخست برخی مفاهیم کلیدی روان‌کاوی را توضیح داده است. در بخش کوتاه پایانی کتاب، مک‌گوان می‌گوید ما فیلم‌ها را از‌آن‌رو تماشا می‌کنیم که به نحوی میل را برمی‌انگیزند. پیش‌برده‌های تبلیغاتی از‌آن‌رو وجود دارند که ما را وسوسه کنند که فیلمی را تماشا کنیم و درباره فیلم‌های مختلف نوشته: «شاهکارهای سینما آثاری هستند که میل را بیشتر از فیلم‌های معمولی تحریک می‌کنند، حتی اگر در ابتدا

سالگرد درگذشت علی‌اشرف درویشیان

چریک فرهنگی



تاریک تاریک می‌شد، مردم آتشوران هر بار که آسمان ابری می‌شود دعا می‌کنند که باران نیاید و هر بار که باران می‌آید مادر راوی می‌گوید دای را می‌برد؛ اما راوی می‌داند که «آب فقط خانه‌های کُلی را می‌برد. خودم روزها را در میان آشورا تا آن بالای شهر رفته بودم. خانه‌های سنگی و آجری را آب نمی‌برد، خانه‌های سنگی و آجری بالای شهر و پل‌های سنگی و دیگر امکاناتی که در شهر وجود دارد ربطی به آدم‌هایی که در خانه‌های خودساخته آتشوران زندگی می‌کنند ندارد. آتشوران با محرومیت‌ها و نداری‌هایش، تمام سهمی است که به فرودستان شهری ساکن آن تعلق گرفته است. برای آنها جایی بیرون از آتشوران وجود ندارد و برچسب فقر و محرومیت و درمانی، اوقات فراغتی مانند اختلاف‌های طبقاتی موجود در شهر تنها به مسائلی مانند کودکان کار و شیوه ساخت‌وساز خانه‌ها محدود نمی‌شود و در روایات داستان می‌بینیم که در مدرسه هم بین دانش‌آموزان فقیر و ثروتمند تبعیض وجود دارد و معلم دانش‌آموزان فقیر را حمال‌زاده خطاب می‌کند: «معلم سرود که با چشم‌های سرخ می‌آمد همه ساکت می‌شدیم. می‌گفت توی این کلاس عده‌ای حمال‌زاده هستن که سرصددا می‌کنن؛ اما ناگهان از گفته خود پشیمان می‌شد و با عجله می‌گفت ولی البته عده‌ای هم آقا‌زاده هستن که سرصددا نمی‌کنن و همیشه آرامن…».

در قصه‌های «آشوران» ترسیم دقیقی از فضای داستان به دست داده شده و این ویژگی در واقع تأکیدی است بر نقش محیط در شکل‌گیری شخصیت آدم‌های قصه‌ها. در آثار درویشیان، مثل تمام آثار رئالیستی، تصویری از دوران اجتماع به دست داده شده است. او به دورانی تعلق داشت که در آن اغلب نویسنده‌ها شاعران و تشهد اجتماعی باور داشتند و در برابر حوادث زمانه‌شان بی‌تفاوت نبودند و می‌خواستند تأثیر خود را بر سیر تاریخ باقی بگذارند. درویشیان چهارم آبان ۱۳۹۶ ز دنیا رفت؛ اما جای خالی نویسنگانی مانند او امروز بیشتر به چشم می‌آید.

است که به آن جسیبیده و در خانه‌هایش نه خبری از پشت‌بام‌های کاهکلی و عایق‌شده است و نه خبری از آب لوله‌کشی. درحالی‌که آتشوران از حداقل‌های زندگی شهری بی‌بهره است؛ اما در متن شهر امکانات شهری در خانه‌ها دیده می‌شود. شهر به لحاظ طبقاتی به دو بخش بالا و پایین تقسیم شده و آتشوران نماد روشن نابرابری‌ها و تضادهای شهری است. اختلاف طبقاتی حتی در سبک معماری و شکل و شمایل خانه‌ها هم دیده می‌شود.

فقر و نابرابری‌های فضایی موجود در شهر، مانند طیفی است که از بالای شهر به سمت پایین شهر کشیده شده است و آتشوران، به‌عنوان محله‌ای حاشیه‌نشین، در ته این طیف فقر و نابرابری قرار گرفته است: «سیل می‌آمد. خشمگین می‌شد. می‌شست و می‌رفت. کف به لب می‌آورد. پل‌های چوبی را می‌برد. زوروش به خانه‌های بالای شهر که از سنگ و آجر ساخته شده بودند، نمی‌رسید؛ اما به ما که می‌رسید، تمام قق دلش را خالی می‌کرد. دیوارها را با لانه‌های گنجشکش می‌برد. سیل تا توی اتاقمان می‌آمد… نقیبه‌توی آشورا خالی می‌شدند. زباله‌ها را در آشورا می‌ریختند. از بالای شهر همین‌طورکه پایین می‌آمد، بارش را می‌آورد تا به در خانه ما می‌رسید. همه بارش را روی کرده ما خالی می‌کرد… سیل می‌آمد. آشورا پر می‌شد و آب از مستراح‌ها فواره‌وار بالا می‌زد. حیاط را پر می‌کرد. چاه را پر می‌کرد. چوب‌های پلاسیده و گاه‌ها و گل‌های پلاسیده بالای شهری‌ها را روی دستش می‌گرفت و می‌آورد تو اتاق ما و به ما تقدیم می‌کرد.» آنچه در یازده داستان «آشوران» می‌بینیم، روایتی کاملاً واقع‌گرایانه و جزئی از واقعیت‌های زندگی طبقه فرودست جامعه شهری آن دوره است. در هر داستان می‌توان گوشه‌ای از واقعیت‌های فلاکت‌بار زندگی آدم‌های گیرافتاده در این محله حاشیه‌ای را دید. آنچه در این داستان‌ها تصویر شده، اتفاقاتی است که فرودستان شهری با توجه به بافت زندگی خود همواره با آن مواجه هستند. سیل روی دیوارهای اتاق‌های این آدم‌ها ردش را به جا می‌گذارد و آدم‌ها از طریق ردهای به جا مانده می‌انند که هر سال کجا تا کجا بالا آمده است و در سیل بر دیوار «تقویم دیواری» آنها است. سیل که فرومی‌نشیند، بچه‌ها به میان ماسه‌های سیاه می‌روند و می‌گردند و چیزهایی پیدا می‌کنند که آب با خود از جاهای دیگر شهر آورده است. تفریح‌شان پیداکردن خرت‌وپرت‌های داخل ماسه‌ها است و نیز تماشاکردن سرخی آتشی که لاستیک‌ها را می‌سوزاند. نابرابری شهری با به عبارتی نابرابری فضایی تنها محدود به مسکن یا سرنیاه نیست. نابرابری در فرصت و استفاده از فضاهای ورزشی، درمانی، تحصیلی، اوقات فراغتی مانند بوستان‌های شهری و مواردی دیگر از این دست نیز وجود دارد. نابرابری فضایی انعکاسی روشن از فقر شهری است. شهر اگرچه ممکن است امکانات متعددی در مواردی نظیر موارد فوق داشته باشد؛ اما از دسترس فرودستان شهری خارج است و فرودستان شهری با محرومیت‌های مختلف در همه‌تیم مواجه‌اند: «سیل پل‌های چوبی را خراب می‌کرد. پل‌های سنگی تکان نمی‌خوردند. تا پل‌ها درست نشوند، ما همیشه درب به مدرسه می‌رسیدیم و چوب می‌خوردیم». آشورا جای است که «با بوی مستراح‌هایش» فرودستان شهری را در آغوش خود جای داده است. درحالی‌که بچه‌های طبقه فرودست شهری در کنداب بازی می‌کنند و از آب آلوده‌ای که سیل با خود آورده می‌خورند، «روی لوله‌های فلزی که آب به خانه‌های آجری می‌برد به این طرف و آن طرف» می‌دوند و بازی می‌کنند. در قصه‌های «آشوران» اختلاف‌های طبقاتی شهر و تقسیم‌بندی‌هایش، حتی در محله‌های تاریک و روشن شهر آشکارا دیده می‌شود: «وقتی که از سراب برگشتیم، شب روی دل شهر نشسته بود. نفس شهر بند می‌آمد. ماه روی پوست آسمان تکریده بود، مثل تاول‌های پشت پای اکبر. از دور چراغ‌های شهر چشمک می‌زدند و همان‌طورکه به پایین شهر می‌رسیدند کم‌نورتر و ریزتر می‌شدند تا محله ما، که

معرفی کتاب مرگ و پنگوئن؛

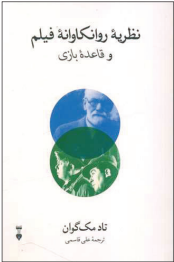
زندگی سیاسی مردمان غیرسیاسی

سجاد زریه‌زاده: ادبیات داستانی و خصوصاً ادبیات داستانی

سیاسی، فارغ از بعد زیبایی‌شناختی آثار هنری و فرم‌های ادبی، همواره حامل واقعیتانی تاریخی است. مرگ و پنگوئن نیز از این قاعده مستثنا نیست. کتاب مرگ و پنگوئن (death and penguin) نوشته آندری کورکف در سال ۱۹۹۶ به زبان روسی منتشر شده و شهریار وقفی‌پور آن را از نسخه انگلیسی به فارسی برگردانده و نشر روزنه در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده است. علاوه

بر مرگ و پنگوئن، آثار دیگری از این نویسنده توانای اوکراینی به زبان فارسی ترجمه شده که شاید مهم‌ترین آنها زرنهوری خاکستری باشد. مترجم در معدود مواردی تلاش کرده تا کنایه‌ها و اصطلاحات شیرین زبان فارسی را برای برگرداندن موقعیت‌های متن به کار گیرد که البته در این کار چندان موفق نبوده است و دیدن این عبارات -که تعدادش چندان زیاد نیست- در کلیت متن با فضایی کاملاً متفاوت از فرهنگ ایرانی، توی ذوق خواننده اثر می‌زند. با این

تنها گواه موجود بر این میل، سرکوب در قالب عداوت یا بی‌تفاوتی باشد. فیلم‌هایی که میل ما را به‌هیچ‌وجه برنمی‌انگیزند، در حکم شکست‌اند و وقتی فیلمی در این مقوله قرار می‌گیرد، ما اغلب اوقات به‌سادگی از تماشای آن یا توجه‌کردن به آن دست می‌کشیم. اکثریت گسترده فیلم‌ها جایی میان این دو مقوله واقع می‌شوند و ما باید آنها را وارسی کنیم تا درآییم چگونه به میل ما مرتبط می‌شوند، پرسش میل و فیلم پرسشی سوپزکتیو نیست. تماشاگران متفاوت آشکارا واجد میل‌های متفاوتی هستند؛ اما میل نسبت به فیلم موقعیتی بیرونی ندارد. گرچه ممکن است تماشاگران متفاوت به نحای گوناگون واکنش نشان دهند، ساختار هر فیلم شکل ویژه‌ای از به‌کارگیری میل را خلق می‌کند و روابط خصوصی با این میل اتخاذ می‌کند. به این اعتبار، ما می‌توانیم بدون فروغلتیدن به ورطه سوپزکتیویسم یا رخصت‌دادن به طرح موضوع تفاوت‌های میان تماشاگران، درباره میل در سینما سخن به میان آوریم».



از دنیای مردگان

شرق: مهدی غبرایی در ادامه ترجمه‌هایش از نویسندگان آفریقایی اثر دیگری از میا کوتو با عنوان «زیر درختچه یاسمن» ترجمه کرده که این کتاب اخیراً در نشر افاق منتشر شده است. میا کوتو از نویسندگان سفیدپوست موزامبیک است که در سال ۱۹۵۵ متولد شده و نام کاملش هم اتونوبو امیلیو لیته کوتو است. او نویسنده شناخته‌شده‌ای در داستان نویسی معاصر آفریقا محسوب می‌شود و آثارش به زبان‌های متعددی ترجمه شده‌اند. منتقدان و خوانندگان نیز به داستان‌هایش اقبال خوبی نشان داده‌اند و برخی آثارش برنده جوایز ادبی هم شده است. کوتو فرزند یکی از مهاجران پرتغالی است که در دهه ۱۹۵۰ به موزامبیک که مستعمره پرتغال بوده است، کوچ کرده بود. او در دومین شهر بزرگ موزامبیک به دنیا آمد و در همان‌جا به مدرسه رفت. بعدتر او در دانشگاه پزشکی خواند. غبرایی پیش‌تر با ترجمه رمان «دیار خواب‌گردی» این نویسنده را معرفی کرده بود. جنگ استقلال موزامبیک (۱۹۷۴-۱۹۶۴) نزاعی میان گروه‌های مسلح وابسته به جبهه آزادی‌بخش موزامبیک و نظامیان پرتغالی بود که این کشور را اشغال کرده بودند. میا کوتو برای استقلال‌کشورش مبارزه کرد و از همین رو جنگ برای استقلال و تأثیر ویرانگر آن روی مردم، مضمون بسیاری از آثار اوست. میا کوتو نویسنده سفیدپوستی است که قهرمانان داستان‌هایش سیاه‌پوست‌اند. او در رمان «زیر درختچه یاسمن» به جهان درهم‌تنیده اسطوره-واقعیت پناه می‌برد تا تمامی بحران سیاه‌انداخته بر سرزمینش را از جنگ‌های بی‌حاصل نقد کند. راوی داستان «زیر درختچه یاسمن» مردی به نام موکانگاسک است. بیش از ۱۰ سال او مرگ او می‌گذرد. او به دلایلی دوباره به جهان زندگان برمی‌گردد تا پرده از راز یک قتل بردارد. در بخشی از پیش‌درآمد کتاب درباره اِیسن رمان آمده: «راوی از دنیای مردگان برمی‌گردد، بدل به روحی شبکبرد می‌شود و در سرافسر بازپرس پلیس موزامبیک، که سرگرم تحقیق درباره قتل‌ی فراواقعی است، جا خوش می‌کند. اما آیا ممکن است که قربانی واقعی اعتقادات سنتی آفریقا باشد، یا آن قِسم شیوه زندگی که استعمار پرتغال و سپس جنگ داخلی و سرانجام مادی‌گرایی غربی ویرانش کرده؟ میا کوتو با استفاده از حکایت و تمثیل، حماسه فراواقعی اسرارآمیزی می‌آفریند که در آن ماهرانه روح آفریقایی پس از استقلال را به چنگ می‌آورد. کوتو در این رمان با ژانر داستان کارآگاهی بازی می‌کند، آن را بسط می‌دهد و از ریخت می‌اندازد. اول کار سالخوردگی یک‌یک رمان به نوبت قتل عالیجناب واستسومه زورگو را کردن می‌گیرند، اما بعد از خود می‌پرسد آیا می‌توان بسیاری از این اعترافات را، از جمله جادو را- مثل زنی که شب‌ها بدل به آب می‌شود و مردی که اگر گریه کند می‌میرد- جدی گرفت و باور کرد؟». «دیار خواب‌گردی» که پیش‌تر با ترجمه غبرایی منتشر شده بود، رمانی است که وقایعش در جنگ داخلی موزامبیک می‌گذرد. رمان روایتی است از زندگی مویدینگا، پسری که دچار فراموشی است و در جست‌وجوی گذشته. طاهر، پیرمردی که مویدینگا را پیدا کرده، به او حرف‌زدن می‌آموزد و او را مورد حمایت قرار می‌دهد. پیرمرد و پسر مدام در پی سرنپاهی برای ادامه زندگی و چیزی برای خوردن هستند. در آغاز داستان، می‌دهد، دو به اتوبوس نیمه‌سوخته‌ای کنار جاده ویران می‌رسند و در آن خانه می‌کنند. نزدیک اتوبوس جنازه‌ای پیدا می‌کنند که جمدانی حاوی چند دفترچه کنارش افتاده است. به این ترتیب، داستان این دو با داستان نویسنده دفترچه‌ها گره می‌خورد. کوتو در روایت این رمان تصویر هولناکی از سرزمینی به دست می‌دهد که جنگ، قحطی و بی‌رحمی آن را به ویرانه بدل کرده است. زندگی آدم‌های این داستان بر است از ناامیدی، جنون، ترس و توطئه به قصد بقا و گسستگی روابط انسانی. میا کوتو در این رمان مرگ سنت و نابودی حافظه و گذشته را تقبیح می‌کند و به انتقاد از فساد ذاتی حکومتی نظامی می‌پردازد. موزامبیک کشوری است که سال‌ها با قوانین استعماری، جنگ‌های داخلی و قحطی روبه‌رو بوده است. در جنگ‌های داخلی این کشور که در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۲ جریان داشت، حدود یک میلیون نفر از مردم این کشور کشته شدند. به‌جز مرگ، جنگ داخلی بیماری و قحطی را هم برای موزامبیک به همراه داشت و در نتیجه کشور در آستانه انحطاط کامل قرار گرفت. با این حال پیمان مصالحه میان طرف‌های درگیر امید بازگشت آرامش را دوباره زنده کرد.

«دل ما» از گی دو موباسان با ترجمه محمود گوردزی از دیگر کتاب‌های تازه‌ای است که توسط نشر افاق منتشر شده است. این کتاب آخرین رمان موبوسان است و به داستان زندگی مردی متشخص و ثروتمند به نام آندره ماریول مربوط است. او دل‌باخته زنی بیوه و مخفل‌گردان در پاریس اواخرقرن نوزدهم می‌شود؛ زنی دلربا و صمیمی که عاشق کسی نیست جز خودش. موباسان در این رمان با نگاهی شاعرانه و مانند یک نقاش، جزئیات ظاهری و درونی شخصیت‌هایش را به تصویر می‌کشد و چشم‌اندازهای بی‌نظیری از باغ‌ها، دشت‌ها، بافت شهری و حتی کنج‌هایی خلق می‌کند که شخصیت‌های داستان‌ش با آن خم می‌گیرند. انگاری که نویسنده قلموبی برداشته و در لحظه‌های بروز قدرتمند عشق، چشم‌اندازهایی خیال‌انگیز نقاشی می‌کند. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «صبحی درخشان شهر را روشن می‌کرد. ماریول سوار کالسکه‌ای شد که با کیفی مسافرتی و دو چمدان در قسمت بار، جلوی در منزل انتظارش را می‌کشید. او همان شب با کمک نوکرش لباس‌های خانگی و وسایل لازم را برای غیبتی طولانی آماده کرده بود و در حالی از آنجا می‌رفت که نشانی موقتش را فونتن‌بلو، پست رستانت معرفی کرده بود. کسی را با خود نمی‌برد، چون نمی‌خواست چهره‌ای ببیند که پاریس را برایش تداعی می‌کند و وقتی به برخی موضوعات می‌اندیشید، دیگر نمی‌خواست صدایی آشنا بشنود. خطاب به کالسکه‌چی فریاد زد: ایستگاه لیون! کالسکه‌کرایه‌ای راه افتاد. سپس به یاد عزیمت دیگر به مقصد جزیره مون- سن – میشل افتاد، به یاد بهار گذشته. تا سه ماه دیگر می‌شد یک سال، بعد برای اینکه فراموشش کند، به خیابان نگریتس».

ویکتور نویسنده رخ می‌دهد اما به قلم او نمی‌آید، این گمانه را ایجاد می‌کند که چه بسا در اپیزود بعدی داستان، ویکتور در قالب پنگوئن خانگی‌اش «مسخ» بشود یا مانند حسن داسان، ویکتور را گو غلامحسین ساعدی، ویکتور نویسنده خود را پنگوئنی بیابد و و او داستان شود. قلم توانای آندری کورکف خواننده را تا اپیزود پایانی منتظر چنین رخداد سوررئالی نکه می‌دارد. همچنین توصیفاتی که در بیرون از ذهن شخصیت داستان جریان می‌یابند سیاهی و سرمای رعب‌انگیز اوکراین دهه ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی شوروی را به خوبی به تصویر کشیده‌است. آنچه از عالم واقعیت و زمان و مکان شکل‌گیری اثر در کار کورکف بازتاب یافته، شرایط جامعه‌ای در حال فروپاشی یا چه بسا فروپاشیده است. ترور، تضادهای سیاسی که به سطح شخصی نخبگان سیاسی نیز می‌رسند از

یک سو و زندگی رقت‌انگیزی که حاصل کنش کنشگران تخیه سیاسی است اما حتی حوزه خصوصی افراد را تحت تأثیر عمیق خود می‌دهد آنچنان که زیست عاطفی شخصیت اصلی داستان هم به وضوح متأثر از رخداد‌های سیاسی مانند جنگ و ترور است و مهم‌تر از آن شخصیت اصلی داستان بی‌آنکه خود باخبر از موقعیت خود در ساختارهای سیاسی باشد، بدل به محور رادیکال‌ترین کنش سیاسی یعنی ترور افراد سیاسی می‌شود که کسانی (و نه

خود شخصیت داستان) تصمیم به حذفشان گرفته‌اند. مرگ و پنگوئن را می‌توان از آن دست آثاری دانست که هم علاقه‌مندان به ادبیات رئالیستی از خواندنش لذت می‌برند هم کسانی که کمی فراقطن از واقعیت را در داستان می‌بینند، هم کسانی که علاقه‌مند به رمان‌های سیاسی‌اند از آن بهره می‌برند و هم آنها که خوش‌تر می‌دارند کنایه‌های سیاسی در داستان سرراست نباشند و کمی ذوق و قریحه در شکل‌دادن استعاره‌های سیاسی و اجتماعی را ترجیح می‌دهند. اپیزودهای کوتاه و خوش‌خوان و ترجمه روان مترجم و البته توانایی نویسنده، این امکان را فراهم کرده است که در هر حالتی حتی در مسیر رفت‌وآمدهای روزانه بتوان از خواندنش لذت برد. نشر روزنه چاپ چهارم این کتاب را با قطع رقعی منتشر کرده و برای کسانی که اوقات استراحت خود را

به مطالعه ادبیات اختصاص می‌دهند خواندن کتاب را آسان‌تر کرده است. کتاب «مرگ و پنگوئن»، اثر آندری کورکف و ترجمه شهریار وقفی‌پور توسط نشر شیرازه در ۲۳۰ صفحه و با قیمت ۹۵ هزار تومان منتشر شده است. برای تهیه کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برگ‌برگ اقدام کنید. برگ‌برگ رسانه تخصصی در حوزه کتاب است که در شبکه‌های اجتماعی به معرفی و نقد کتاب می‌پردازد. با اسکن بارکد زیر به برگ‌برگ پیوندید.

